

**The Effect of the Function of Political Parties in Realizing the Model
of Islamic Human Rights in the Islamic Republic of Iran**

Ali Gholamali¹
Afshin Jafari²

Received: 15 May 2021
Reception: 08 Feb 2022

Political parties play an important role in politics in the contemporary world. Given that addressing the various problems of political society as well as achieving desirable political and social models in any society requires the use of modern tools, political parties can play an important role in realizing the model of Islamic human rights. Given this concern, the question that arises is in what ways can political parties achieve the model of Islamic human rights? The findings of this study indicate that the model of Islamic human rights in various fields such as attention to the right to self-determination, defense of the rule of law, the principle of the right to self-determination and political participation, the right to life and dignified life and training of political elites. Can benefit from the function of the parties. The objective manifestation of this effectiveness can be extracted according to the principles of the Constitution of the Islamic Republic of Iran, which has accepted the sovereignty of the nation over its own destiny, dignified life, training of efficient and competent political elites, as well as people's choice as examples of human rights. The method used in the present study is Qualitative-Interpretation which method of gathering information was Library method.

Keywords: political parties, human rights, Islamic human rights, sharia, ethics and spirituality.

1. Assistant Professor of International Law of payame-noor University, Tehran, Iran. aligholamalipour@gmail.com.

2. Assistant Professor of International Law of payame-noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author). jafari.afshin@yahoo.com.

تأثیر کارکرد احزاب سیاسی در تحقق الگوی حقوق بشر اسلامی در جمهوری اسلامی ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۲/۲۹

علی غلامعلی^۱

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۱۹

افشین جعفری^۲

چکیده

احزاب سیاسی نقش مهمی در سیاست ورزی در دنیای معاصر بر عهده دارند. با توجه به اینکه، رسیدگی به مشکلات مختلف جامعه سیاسی و همچنین دستیابی به الگوهای مطلوب سیاسی و اجتماعی در هر جامعه‌ای نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای مدرن است، احزاب سیاسی توانسته‌اند نقش مهمی در تحقق الگوی حقوق بشر اسلامی ایفا نمایند. با توجه به همین دغدغه، هدف این پژوهش بررسی نحوه اثرگذاری این احزاب بر توسعه و تحقق الگوی حقوق بشر اسلامی در ایران بوده است و بنابراین سؤالی که مطرح بوده این است که احزاب سیاسی از چه راه‌هایی می‌توانند باعث تحقق الگوی حقوق بشر اسلامی شوند؟ روش تحقیق مورد استفاده در پژوهش حاضر، تفسیری از نوع کیفی بوده که شیوه گردآوری اطلاعات آن روش کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که الگوی حقوق بشر اسلامی در زمینه‌های مختلفی از جمله توجه به حق تعیین سرنوشت، دفاع از قانون‌گرایی، اصل حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی، حق حیات و زندگی عزتمندانه و همچنین تربیت و پرورش نخبگان سیاسی، از احزاب بهره برده است. نتیجه و نمود عینی این اثربخشی نیز با توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل استخراج است چراکه حاکمیت ملت بر سرنوشت خویش، زندگی عزتمندانه، تربیت نخبگان سیاسی کارآمد و صالح و همچنین انتخاب مردم را به‌عنوان مصادیق حقوق بشری نیز پذیرفته است.

واژگان کلیدی: احزاب سیاسی، حقوق بشر، حقوق بشر اسلامی، شرع، اخلاق و معنویت.

۱. استادیار رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲. استادیار رشته حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، (نویسنده مسئول). jafariafshin@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

کارکرد احزاب در جوامع مختلف، تفاوت‌های قابل توجهی با یکدیگر دارد. از جمله اینکه در جوامع معاصر غربی و در بهترین حالت، احزاب وسیله‌ای برای جابجایی قدرت، آموزش شهروندان و ایجاد فرایندی برای ورود افراد کارآزموده به عرصه‌های سیاسی است. بحث ما از حقوق بشر در این مقاله، در ارتباط با جامعه‌ای اسلامی است که هدف نهایی آن حرکت به سوی الله و ساختن جامعه‌ای اسوه است. به تحقیق می‌توان ادعا کرد که از جهت توجه به حقوق بشر، آموزه‌ها و احکام اسلامی، نسبت به حقوق و آزادی‌های افراد بیش از هر مکتب و ادیان دیگری به این مسائل توجه نشان داده‌اند. صرف اعلام حقوق و آزادی‌ها به تنهایی عاملی در جهت پاسداشت و برپایی این حقوق و آزادی‌ها نیست و ابزارهایی برای اجرای این حقوق و امتیازها لازم است. در ایران بعد از برپایی نظام جمهوری اسلامی در جهت حفظ حقوق و آزادی‌های افراد به درج حقوق افراد در قوانین پرداخته شده است و یکی از اهداف اساسی مکتب اسلام نیز توجه به این نیازها تحت عنوان حقوق بشر اسلامی بوده است.

با توجه به جایگاه مهمی که احزاب سیاسی در جهت رفع نیازهای شهروندان و حرکت آنان به سمت جامعه مطلوب اسلامی دارند، دستیابی به حقوق بشر در جامعه اسلامی نیز از جمله مسائل قابل توجه است و بدین ترتیب، هدف پژوهش حاضر نیز بررسی کارکرد احزاب سیاسی در شکل‌گیری الگوی حقوق بشر اسلامی در جمهوری اسلامی ایران است.

۱. سؤال پژوهش

با توجه به مقدمات و مفروضات فوق به دنبال پاسخ به این سؤال هستیم که: مهم‌ترین راهکارها و کارکردهای احزاب سیاسی برای تحقق الگوی حقوق بشر اسلامی در جمهوری اسلامی ایران شامل چه مواردی است؟ به عبارتی دیگر در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا نشان دهیم که راه‌های دستیابی به حقوق بشر اسلامی با توجه به بهره‌گیری از احزاب سیاسی شامل چه مواردی است؟ فرضیه پژوهش این است: احزاب سیاسی با کارکرد مناسب خود در حیطه‌های انتخاب کارگزاران بر مبنای شایسته‌سالاری، حمایت از قانون و جلوگیری از هرج و مرج، توجه به اصل حق تعیین سرنوشت، اصل حق حیات و مصادیق آن می‌توانند باعث تحقق الگوی حقوق بشر اسلامی شوند.

۲. اصول بنیادین حقوق بشر اسلامی و حقوق بشر جهانی

حقوق بشر دارای ابعاد مختلفی است که مشخصاً با اعلامیه حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ م، به عنوان چارچوب تعیین شده در نزد کشورهای مختلف جهان شناخته می شود. هر چند حقوق بشر دارای جزئیات فراوان و متعددی است، اما در یک نگاه کلی، حداقلی های حقوق بشر، چهار مقوله مختلف حقوق بنیادین بشر را تشکیل می دهد. این مقولات عبارتند از: ۱- حق حیات؛ ۲- حق آزادی؛ ۳- حق برابری و عدالت؛ ۴- حق برخورداری از حمایت قانونی.

حق حیات از جمله حقوق بنیادین بشری است که بیش از همه ناظر بر رفع موانع و محدودیت ها در زندگی بشری است. این معیار، شامل: منع شکنجه یا مجازات وحشیانه و غیرانسانی می شود (روحی، ۱۳۹۴: ۹۳). همچنین منع بردگی و کار اجباری، منع زندانی کردن شخص به جهت عدم توانایی او در انجام الزامات ناشی از تعهد، منع مجازات شخص به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب آن جرم نبوده است، آزادی مذهبی و در نهایت برخورداری فرد از شخصیت حقوقی در همه جا (طباطبایی و مؤتمنی، ۱۳۷۸: ۸ - ۲۸۷). از جمله معیارهای مرتبط با حق حیات است.

درباره حق حیات به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری که در اسناد بین المللی مورد تأکید قرار گرفته است، در حقوق بشر اسلامی نیز می توان به مؤلفه های آن اشاره نمود. در وهله اول رجوع به قرآن کریم مهم ترین راهکار برای پی بردن به مؤلفه حق حیات به عنوان یکی از حقوق بنیادین بشری در آموزه حقوق بشر اسلامی هستیم. خداوند در قرآن مکرراً از سلب حیات انسان بدون دلیل نهی نموده است: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ»^۱ «و کسی را بدون حق (قصاص و اجرا فرمان الهی) مکشید که خداوند آن را حرام کرده است». «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُوماً فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَاناً فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُوراً»^۲ «و کسی را نکشید که خداوند کشتن او را - جز به حق - حرام کرده است. هر کس که مظلومانه کشته شود، به صاحب خون او (که نزدیک ترین خویشاوند به او است، این) قدرت را داده ایم (که با مراجعه به قاضی، قصاص خود را درخواست و قاتل را به مجازات برساند)، ولی نباید او هم در کشتن اسراف کند (و به جای یک نفر، دو نفر و بیشتر را بکشد، یا اینکه به عوض قاتل، دیگری را هلاک سازد) (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۹۸).

حق اختیار و آزادی به عنوان یکی از مؤلفه های بنیادین حقوق بشر بین المللی به صراحت در

دیدگاه فقه امامی نیز دیده می‌شود. حق اختیار از دیدگاه همه مکاتب الهی (که رشد و کمال را در تکاپوی آزادانه می‌دانند) و همه ادیان آسمانی، مخصوصاً از دیدگاه اسلام، نه تنها حقی است ثابت، بلکه هدف اصلی همه دیدگاه‌های مزبور، اعتلا و ترقی انسان است. فقه شیعه معتقد است انسان در فعل خودمختار است ولی مستقل نیست، بلکه خدای متعال از راه اختیار، فعل را خواسته است (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۱: ۱۳۱). با این حال، این تعبیر به معنای فقدان آزادی و اختیار برای انسان نیست و دستیابی به جامعه مطلوب در فقه امامیه نیازمند وجود فضای نقد و انتقاد در جامعه و نو شدن اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی است. مهم‌ترین جلوه و اثر بیرونی آزادی و اختیار انسانی، حق تعیین سرنوشت است که یکی از معیارهای حقوق بشر اسلامی نیز در نظر گرفته می‌شود. از این منظر، حقوق سیاسی آدمیان نیز از قرار زیر است: ۱. حق تعیین سرنوشت؛ ۲. حق نظارت ۳. آزادی‌های سیاسی (پور حسین، ۱۳۹۱: ۲۸۹ - ۲۹۰).

عدالت، برابری و مشارکت برابر در عرصه‌های مختلف از جمله دیگر حقوق بنیادین بشری است که در آموزه‌های شیعی نیز می‌توان مصادیق آن را پیدا نمود. توضیح اینکه، اصل مساوات و برابری و مقابله با تبعیض، یکی از آرمان‌های بلند انسان‌ها در طول تاریخ بوده است؛ قرآن مجید نیز به‌عنوان کتاب آسمانی مسلمانان، منشور مساوات همه انسان‌ها و برابری همه نژادها را در برابر قانون و شرع، با صراحت بیان فرموده و در این زمینه چنین می‌گوید: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید؛ گرمی‌ترین شما نزد خداوند، پارساترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است.» (حجرات/۱۳). علاوه بر آیات، روایات و احادیث متعددی در اسلام وجود دارد که عدالت و مساوات را به‌عنوان حقی بنیادین مورد تأکید خاصی قرار می‌دهند و حتی تصور نظام اجتماعی بدون عدالت در اسلام بسیار دشوار است. حضرت علی (ع) می‌فرماید: با اجرای عدالت برکات خداوند مضاعف می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۸۳: ۲۰۵). امام باقر (ع) می‌فرماید: هرگاه میان مردم عدالت اجرا می‌شد، بی‌نیاز می‌شدند (کلینی، ۱۳۶۹: ۵۶۸).

بخشی دیگر از این حقوق اساسی مانند حق مشارکت سیاسی که ملهم از حقوق بشر در شکل نسبی آن است، می‌تواند در برخی از قوانین اساسی شکل ملی به خود بگیرد و فقط شامل حال شهروندان کشوری خاص گردد (صفایی، ۱۳۷۴: ۲۵۷-۲۵۹). اما این وضعیت در اسلام به‌گونه‌ای است که شامل مشارکت غیرمسلمانان در امور مختلف جامعه و حق

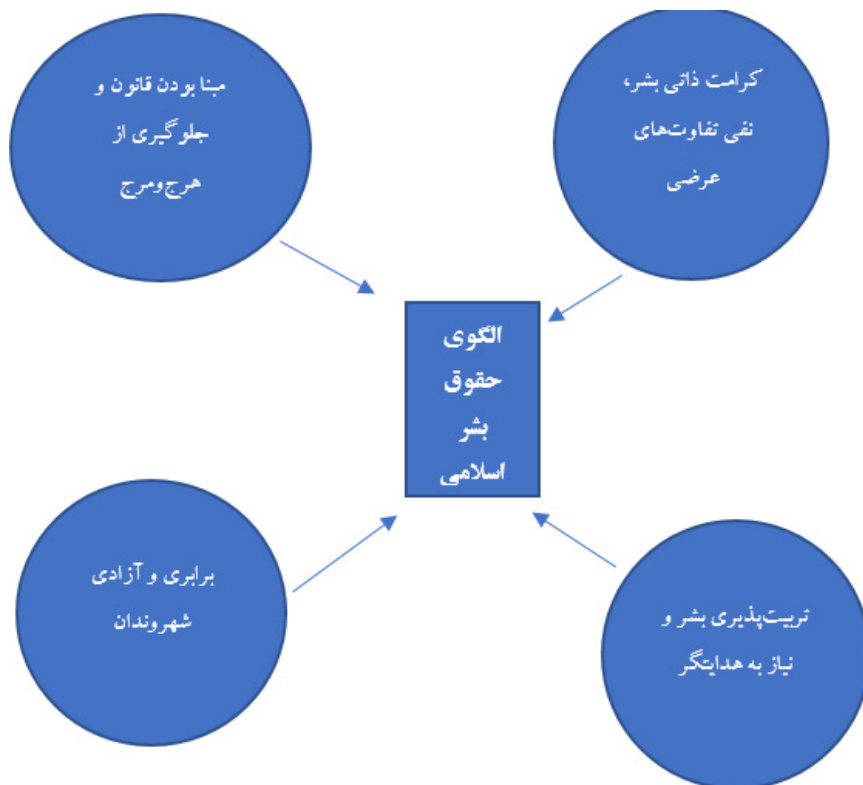
بهره‌مندی آنان از مزایای اجتماعی است. چنان چه در نهج‌البلاغه نیز بر این مسئله تأکید شده است. جایی که امام علی (ع) بیان می‌دارند: «... همانا شما خزانه‌داران مردم، نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید. هرگز کسی را از نیازمندی او بازدارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی، و مرکب سواری و برده او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید، و به مال کسی - نمازگزار باشد یا غیرمسلمانی که در پناه اسلام است - دست‌اندازی نکنید، جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمان‌ها به کار گرفته می‌شود» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۱: ۵۶۳).

برخورداری شهروندان از حمایت قانونی نیز یکی دیگر از معیارهای حقوق بشر جهانی است که در حقوق بشر اسلامی نیز می‌توان به ابعاد و زوایای آن پی برد. اهتمام به مراعات قانون و حفظ نظم عمومی جامعه از دیدگاه اسلام، در آن درجه از اهمیت است که امام علی (ع) در آخرین وصیت خود، پس از سفارش به تقوای الهی، رعایت نظم در امور فردی و اجتماعی را توصیه می‌فرماید: «اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی: بتقوی الله و نظم امرکم و صلاح ذات بینکم». (نهج‌البلاغه، نامه ۴۷).

در این میان همه افراد از حمایت قانونی برخوردار هستند، مگر کسانی که در صدد برهم زدن نظم و امنیت جامعه و به خطر افتادن جان سایر شهروندان می‌شوند. حقوق و تکالیف شهروندان غیرمسلمانان بخش مهمی از اصول حقوق بشر اسلامی است که نشان از نفی تبعیض و بی‌عدالتی در حقوق و تکالیف افرادی است که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند. بر این اساس، وقتی چارچوب و محتوای اعلامیه حقوق بشر اسلامی را با اعلامیه حقوق بشر بین‌المللی مقایسه می‌کنیم این واقعیت آشکار می‌شود که کرامت انسان، حیثیت و شأن و منزلت او، همبستگی، برابری عدالت حق حیات، امنیت، آزادی شغل و مسکن در نزد آموزه‌های اسلامی به‌روشنی تبیین شده است. به‌عنوان مثال بهره‌مندی افراد مختلف جامعه اعم از مسلمان و غیرمسلمان از امنیت فردی، نشانه عدم تبعیض دین اسلام در این زمینه است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۷۵: ۴۸). با اثبات امنیت فردی برای شهروندان غیرمسلمان، اصل آزادی رفت‌وآمد نیز در حق آنان ثابت گشته و نیازی به تکرار ادله و آوردن ادله بیشتر دیده نمی‌شود. اما بر این اصل کلی چند استثنای جزئی دیده می‌شود. این استثنائات شامل ورود آنان به منطقه حرم مکی و سایر مساجد مسلمانان و اقامت بیش از سه روز در سرزمین حجاز می‌باشد (ابویعلی، ۱۴۲۱: ۱۸۷).

علاوه بر این، حق بر امنیت و حیات برای شهروندان غیرمسلمان نیز از جمله معیارهای دیگری است که در حقوق بشر اسلامی دیده می‌شود. در این باره نیز مصادیق متعددی وجود دیده می‌شود. از جمله اینکه بعد از پیامبر اسلام، خلفای راشدین و برخی از حکام بعد آنان نیز به پیروی از دستورات پیامبر همین تعامل را با شهروندان غیرمسلمان داشتند. (بیهقی، ۱۴۱۴: ۲۰۶). حضرت علی (ع) در این زمینه به صراحت خون و مال مسلمان و غیرمسلمان ذمی را مساوی دانسته و بیان داشت: «آنان جزیه می‌پردازند، که دماء و اموالشان به مانند دماء و اموال مسلمانان باشد» (ابن قدامه، ۱۴۰۵: ۲۸۹).

با این اوصاف می‌توان الگوی مطلوب حقوق بشر اسلامی را بر مبنای آموزه‌های دینی به شکل زیر ترسیم نمود:



نمودار (۱) الگوی حقوق بشر اسلامی

بر این اساس می‌توان گفت الگوی حقوق بشر اسلامی بر مبنای دو نوع رویکرد دنبال می‌شود؛ رویکرد اول که ثابت و بر مبنای ارزش‌های جهان‌شمول از جمله اصول کرامت ذاتی بشر، عدالت و آزادی بنا می‌شود. رویکرد دوم نیز تحت تأثیر شرایط زمانه و برحسب نیازها، انسان را موجودی تربیت‌پذیر تلقی می‌کند که با در نظر گرفتن هم‌زمانی دین و سیاست و نقش آموزه‌های شرعی در تعیین اهداف جامعه، از ابزارهای مختلفی برای رسیدن به اهداف فوق بهره می‌برد. با توجه به مبانی مطرح‌شده درباره الگوی حقوق بشر اسلامی می‌توان گفت توسعه سیاسی هر جامعه‌ای از جمله جامعه اسلامی نیازمند توجه به مؤلفه‌های مطرح‌شده است. همچنان که میزان توسعه‌یافتگی سیاسی هر جامعه و نظام سیاسی را می‌توان با توجه به وضعیت شاخص‌هایی مانند مشارکت سیاسی آزاد، توان بالای حاکمیت برای پاسخگویی به مطالبات عمومی، وجود احزاب سیاسی کارآمد، اهتمام به مسئله آموزش و افزایش آگاهی شهروندان مرتبط دانست (شاه علی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۷). بنابراین ارائه الگوی حقوق بشر در اسلام با پاسخگویی حاکمان، نگرش انتقادی شهروندان و حضور آنان در جامعه از طریق احزاب سیاسی کارآمد امری ضروری است. در این صورت نقش ابزارهای مدرنی نظیر احزاب سیاسی در تحقق الگوی مطلوب حقوق بشر اسلامی حائز اهمیت است. در اینجا به برخی از مهم‌ترین کارکردهای احزاب سیاسی برای تحقق الگوی حقوق بشر اسلامی اشاره می‌شود:

۳. کارکرد احزاب در تحقق الگوی حقوق بشر اسلامی

با عنایت به آنچه مطرح شد، موضوع حقوق بشر اسلامی و دستیابی به آن نیازمند ابزار و سازوکار است که در این تحقیق به ابزارهای دستیابی به آن از منظر وجود احزاب سیاسی و کارکرد آنان برای تحقق حقوق بشر اسلامی توجه نشان داده می‌شود.

۳-۱. حمایت از حق حیات؛ آزادی و اختیار انسان

احزاب به دنبال دفاع از حق بنیادین انسانی یعنی حق حیات هستند. از جمله مصادیق حق حیات، آزاد بودن انسان‌ها فارغ از مناسبات نژادی، قومی، زبانی و گروهی است. بر همین

اساس، در الگوی حقوق بشر جهانی استدلال می‌شود که جامعه مردم‌سالار نمی‌تواند بدون تضمین آزادی‌های گروهی، آزادی‌های فردی را به معنای واقعی کلمه و به‌صورت فراگیر تضمین نماید (گرجی‌ازندریانی، ۱۳۹۱: ۱۰). کارکرد احزاب آن است که با دفاع از آزادی انسان، اختیار و گزینش انسانی، راه را برای تحقق حقوق بشر فراهم می‌کنند. زیرا نهاد حزب به‌طور کلی، نهادی مبتنی بر انتخاب و گزینش بر مبنای نظریات جمعی و آزادی‌های گروهی است (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۵۱). آزادی‌های گروهی که امروز بخش مهمی از اصول و مواد قانون اساسی در هر کشور مدرنی را به خود اختصاص داده است و در قالب وجود احزاب سیاسی خود را نشان می‌دهد. (بخارایی زاده، ۱۳۹۷: ۲۸۴)

به نظر می‌رسد با توجه به نقش احزاب در دفاع از آزادی و اختیار انسانی و تحقق اصل حق حیات، مختار بودن انسان و اثرگذاری وی در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی، دستیابی به الگوی حقوق بشر اسلامی نیز از این طریق قابل حصول است. از این جهت وجود احزاب باعث می‌شود که در برابر گروه‌های منحرف و التقاطی و مخالف اسلام به‌صورت معقول ایستاد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۹-۲۴). علاوه بر این، در الگوی حقوق بشر اسلامی، حیات انسانی با اصولی نظیر کرامت و عزت انسانی پیوند خورده و بنابراین حیات عزتمندانه تعبیر مناسب‌تری برای الگوی حقوق بشر اسلامی است. به نظر می‌رسد دستیابی به زندگی عزتمندانه از راه شناسایی نظریات مختلف و انتخاب مطلوب‌ترین گزینه از طریق حزب اقدامی مناسب‌تر و در راستای آیه شریفه «فَبَشِّرْ عِبَادِ، الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»^۳ باشد. حق حیات به‌عنوان یکی از مصادیق حقوق بشر در قانون اساسی ج. ا. ایران نیز قابل مشاهده است. در فصل سوم قانون اساسی در قالب حقوق ملت و در اصل بیست دوم قانون اساسی حمایت از جان و مال شهروندان، مصادیق آن نظیر زندگی باعزت و کرامت و حق بهره‌مندی از زندگی آزادانه و بدون دخالت عوامل خارجی مورد تأکید قرار گرفته است که مسیری برای ترسیم الگوی حقوق بشر اسلامی و تحقق آن از مسیر کارکرد احزاب است.

۳-۲. حمایت از قانون‌گرایی در الگوی حقوق بشر اسلامی

احزاب نماد قانون‌گرایی و حمایت از قانون در جامعه هستند. زیرا احزاب با دفاع از آزادی و اختیار در گزینش انسانی انتقاد را در جامعه گسترش می‌دهند و از عمیق‌تر شدن شکاف‌ها و اختلافات جلوگیری به عمل می‌آورند (Stein, 1970: 6). علاوه بر این، کارکرد احزاب سیاسی می‌تواند باعث بهره‌مندی شهروندان از زندگی مسالمت‌آمیز در لوای قانون باشد. زیرا، نقش احزاب سیاسی (ابتدا) به‌طور سنتی متمرکز بر قانون‌گذاری برای شهروندان بوده است (Cordenillo, Raul, & Der Staak San, 2013: 31). بنابراین حزب چه به‌صورت رسمی (یعنی دفاع از حاکمیت قانون به‌جای هرج‌ومرج) و چه به‌صورت غیررسمی (ترویج شیوه‌های قانونی رسیدن به قدرت) از قانون‌گرایی حمایت به عمل می‌آورد. آنچه در الگوی حقوق بشر اسلامی دیده می‌شود، نقش مؤثر قانون در جلوگیری از هرج‌ومرج و بیان مسالمت‌آمیز خواسته‌ها و مطالبات شهروندان است. سخن امام خمینی (ره) در این زمینه بدین ترتیب است: «در کشوری که قانون حکومت نکند، خصوصاً قانونی که قانون اسلام است، این کشور را نمی‌توانیم اسلامی حساب کنیم. کسانی که با قانون مخالفت می‌کنند، این‌ها با اسلام مخالفت می‌کنند... چنانچه از صدر عالم تاکنون، تمام انبیا برای برقرار کردن قانون آمده‌اند و اسلام برای برقراری قانون آمده است و پیغمبر اسلام و ائمه اسلام و خلفای اسلام، تمام برای قانون خاضع بوده‌اند و تسلیم قانون بوده‌اند» (موسوی خمینی، ۱۳۷۰: ۴۱۴). بدین ترتیب کارکرد احزاب سیاسی در صورتی مفید و مؤثر است که بتوانند بر مبنای قانون شرع به تبیین مردم‌سالاری دینی پردازند و مردم را نیز به رعایت قانون شرع و عمل بر مبنای آن تشویق و ترغیب نمایند. با توجه به اینکه نگرش احزاب مبتنی بر گفت‌وگو، متکی بر استفاده از ابزارهایی نظیر قانون‌گرایی و پرهیز از روش‌های مسلحانه، قهری و زیرزمینی است، با الگوی حقوق بشر اسلامی که برای جلوگیری از هرج‌ومرج و به‌خطر افتادن امنیت جامعه به قانون‌گرایی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد، پیوند می‌خورد.

اهمیت قانون و قانون‌گرایی، پرهیز از رفتارهای خودسرانه و خودکامه بخش‌های مهمی از قانون اساسی را به خود اختصاص داده است. به‌طوری‌که هم در زمینه پرهیز از هرج‌ومرج

و هم در زمینه انتخاب مقامات سیاسی از طریق قانون می‌توان به نقش مهم آن پی برد. در اصل ۵۹ قانون اساسی نقش قانون‌گذاری مستقیم در حل مسائل سیاسی و اجتماعی و پرهیز از اعمال غیرقانونی مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در اصول ۱۰۷، ۱۳۸، و ۱۶۶ قانون اساسی نیز رعایت قانون‌گرایی و برابری همگان در برابر قانون نیز تأکید شده است. به نظر می‌رسد توجه به اصول فوق تحقق‌بخش الگوی حقوق بشر اسلامی است که این امر نیز در سایه ترویج فرهنگ حزب، یادگیری و عمل کردن شهروندان جامعه اسلامی بر مبنای قانون‌گرایی و پیگیری مطالبات از طریق قانونی است.

۳-۳. احزاب سیاسی و حق تعیین سرنوشت در حقوق بشر اسلامی

حزب سیاسی به دلیل سروکار داشتن با سیاست و قدرت، رابطه‌ای تنگاتنگ با دولت و حکومت دارد. در واقع احزاب یکی از بهترین و حتی اصلی‌ترین نوع مشارکت و دخالت مردم در حکومت می‌باشند (رضایی، ۱۳۸۰: ۱۳). که تحقق‌بخش اصل حق تعیین سرنوشت می‌باشند. علاوه بر این، بخش اعظم فعالیت و کارکرد نظام سیاسی بر پایه تفاهات و درک و دریافت‌ها و توافق‌های به‌عمل‌آمده میان بخش‌ها و نهادهای مختلف جامعه صورت می‌گیرد (نوذری، ۱۳۸۱: ۱۶۹). که مهم‌ترین نهاد در این زمینه احزاب سیاسی هستند. بنابراین به‌طور مشخص، یکی از مشخصات و حتی ابزارهای عملی شدن حق تعیین سرنوشت در زندگی بشر معاصر، مشارکت در احزاب سیاسی و یا استفاده از احزاب برای تشویق شهروندان برای اثرگذاری در امور سیاسی و اجتماعی است.

به نظر می‌رسد الگوی حقوق بشر اسلامی بر مشارکت، گزینش آزاد مسلمانان و غیرمسلمانان و نقش آنان در تعیین کارگزاران سیاسی به‌عنوان جلوه‌های حق تعیین سرنوشت دفاع به عمل می‌آورد. از این جهت، کارکرد احزاب می‌تواند در راستای انتخاب رهبران جامعه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم باعث تحقق الگوی حقوق بشر اسلامی شود. به این دلیل که احزاب سیاسی باعث تحقق اصل حق تعیین سرنوشت و مداخله شهروندان در امور مختلف می‌شوند. امری که با مسئله مشارکت‌جویی و مسئولیت‌پذیری در حقوق بشر اسلامی نیز سازگار است. زیرا در اسلام نیز مردم حق انتخاب دارند و قدرت سیاسی از طریق فرایند

مشارکت سیاسی به نمایندگان منتخب آنان واگذار می‌شود (نجفی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳۲). به‌علاوه اینکه در صورت وجود احزاب زمینه‌ها برای شکل‌گیری رفتارهای مسئولانه در جامعه نیز شکل می‌گیرد. به‌عبارتی دیگر اصل «کلکم راع و کلکم مسوول» در صورت وجود احزاب می‌تواند صورت گیرد.

احزاب سیاسی در جمهوری اسلامی ایران دارای کارکردی برای ایجاد رقابت مشروع و پاسخگویی به اصل حق تعیین سرنوشت هستند. از این جهت احزاب سیاسی در الگوی حقوق بشر اسلامی علاوه بر اینکه حق تعیین سرنوشت را به رسمیت می‌شناسند، تلاش برای ساختن انسان مطلوب در نظام اسلامی را نیز به‌عنوان یک هدف مدنظر قرار می‌دهند. همان‌طور که امام خمینی (ره) نیز در این باره می‌فرماید: اسلام به دنبال انسان‌سازی است. اسلام است که می‌تواند انسان را از مرتبه طبیعت تا مرتبه روحانیت و موافق روحانیت تربیت کند. اسلام آمده که طبیعت را به سمت روحانیت و توحید بکشانند و طبیعت را مهار کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۰: ۴۱۵). بنابراین در چارچوب گفتمان جمهوری اسلامی ایران، در صورتی که احزاب بتوانند وسیله‌ای برای احترام به خواسته‌ها و مطالبات همه شهروندان جامعه اعم از مسلمانان و غیرمسلمانان باشد، اصل حق تعیین سرنوشت را رقم می‌زنند و همچنین رقابت مشروع را نهادینه می‌سازند.

احزاب با دفاع از خواسته‌ها و منافع فردی و گروهی، ابزار مناسبی برای به ثمر نشستن «حق تعیین سرنوشت افراد» هستند. این مسئله در الگوی حقوق بشر اسلامی از جمله بیانات امام خمینی (ره) نیز روشن که بیان کرده‌اند: هر کسی، هر ملتی خودش باید تعیین سرنوشت خودش را بکند. این ملت ما هم الان همه ایستاده‌اند و می‌خواهند سرنوشت خودشان را تعیین کنند (سخنرانی امام خمینی در جمع ایرانیان مقیم پاریس، ۱۳۵۷/۷/۱۹). امر تعیین سرنوشت افراد به دست خودشان به‌طور واضح به تعیین و انتخاب کارگزاران سیاسی و حتی نظام‌های سیاسی مصداق پیدا می‌کند. در این صورت احزاب سیاسی در موضوع حقوق بشر اسلامی، نقش مهمی در تحقق اصل حق تعیین سرنوشت ملت در جامعه اسلامی را بر عهده‌دارند.

علاوه بر این، حق تعیین سرنوشت وجه ایجابی روشنی دارد که از طریق مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف نمود پیدا می‌کند. این وظیفه و کارکرد نیز مشخصاً از عهده احزاب برمی‌آید. در الگوی حقوق بشر اسلامی نیز شهروندان از این طریق می‌توانند نظارت خود را اعمال کنند و از طریق مشارکت سیاسی، حق تعیین سرنوشت را عملی سازند. اصل ۲۶ قانون اساسی بر این مبتنی است که افراد بتوانند آزادانه دورهم گردآمده و با تشکیل جمعیتی مساعی خود را به صورت مستمر و گروهی برای رسیدن به یک هدف معنوی و یا غیراز آن به کار ببرند (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۲: ۹۸). بنابراین تمام شهروندان می‌توانند با شرکت در گروه‌ها و احزاب و تشکیل انجمن‌ها و جمعیت‌ها نقش نظارتی خویش را ایفا کنند. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران این نکته اشاره شده است که قانون اساسی تضمین‌گر نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می‌کند. اصل ۲۷ قانون اساسی که افراد برای اعلام نظرات و رساندن صدای خود به گوش مسئولان محل توجه است، ارتباط وثیقی با اصل مشارکت و حق تعیین سرنوشت دارد. در هر صورت، مشارکت سیاسی از نظر آموزه‌های اسلامی حائز اهمیت است و می‌بایست مورد توجه جدی قرار گیرد. علاوه بر این، می‌توان به اصول ۱۰۶-۱۱۰ قانون اساسی درباره جایگاه و نقش شوراها در فرایند نظارت بر قدرت نهادها و دستگاه‌ها اشاره نمود.

۳-۴. حزب و تربیت نخبگان سیاسی

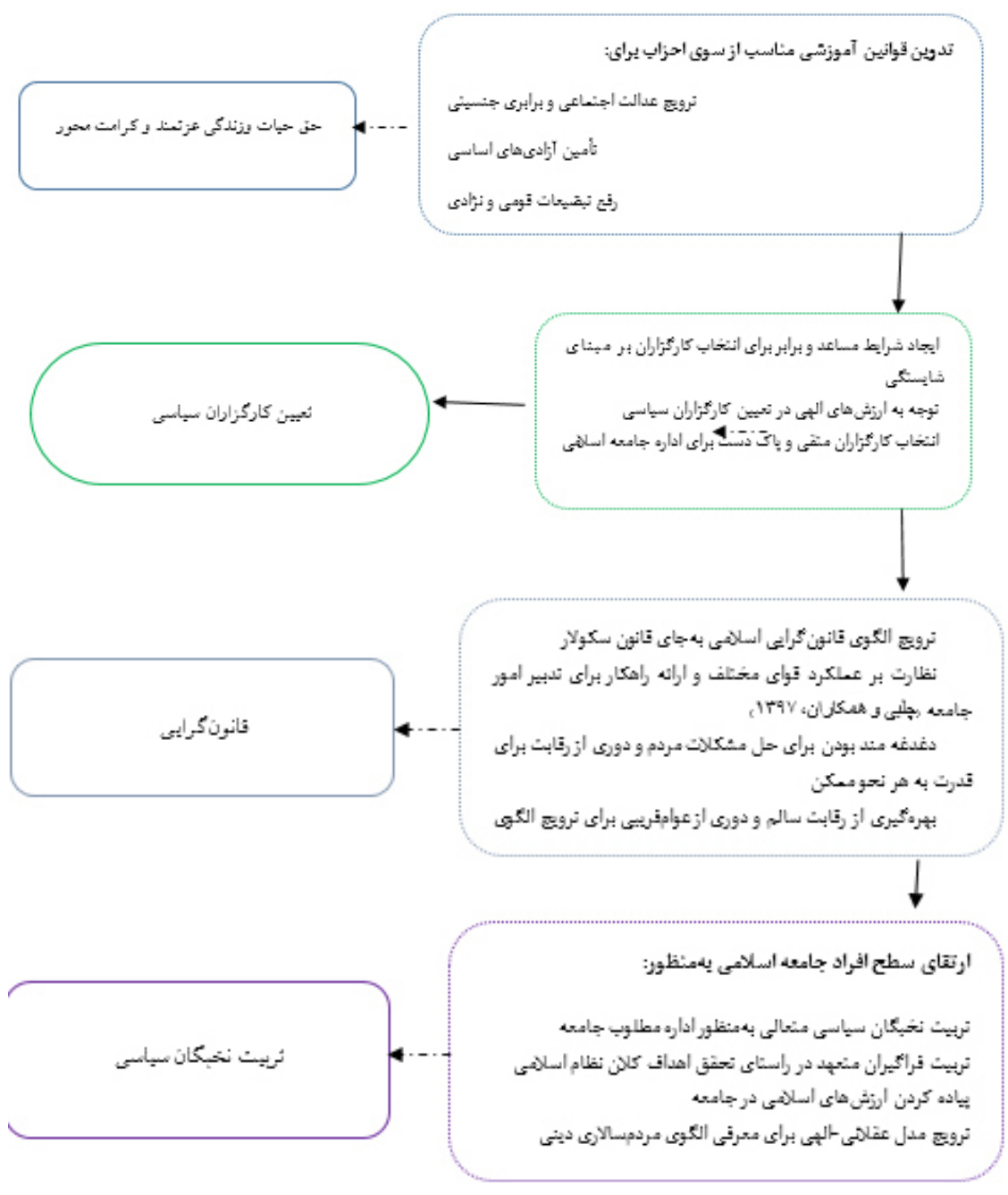
احزاب، سازمان‌ها و گروه‌بندی‌های سازمان‌یافته، منظم و مرتبی هستند که برای مبارزه در راه قدرت ساخته شده‌اند و منافع و هدف‌های نیروهای اجتماعی گوناگونی را (طبقات، واحدهای محلی، دسته‌های نژادی، جماعتی دارای منافع ویژه) بیان می‌کنند و خود هم به درستی وسیله کارکرد سیاسی آنان می‌باشند (دوورژه، ۱۳۸۶: ۱۶۱). از این جهت بیان مطالبات گروه‌های مزبور در گرو انتخاب نخبگانی است که بتوانند در راستای منافع و خواسته‌های آنان عمل نمایند.

آموزش حقوق بشر در حوزه تعلیم و تربیت سیاسی مسئله مهمی را طرح می‌کند که عبارت است از پیوند بین شناخت و عمل یعنی از شناخت به عمل رسیدن. آشنایی با حقوق بشر در صورتی که منتج به ترویج و حمایت از آن نگردد هیچ فایده‌ای ندارد. علاوه بر حیطه‌های ذکر شده، آموزش حقوق بشر زمینه‌های مضاعف دیگری را نیز دنبال می‌کند که عبارت است از، ساختن شهروند مسئول و فعال در یک جامعه مدنی دموکراتیک پویا و شاداب؛ چراکه شهروندان باید قادر به تفکر نقادانه باشند، انتخاب‌های اخلاقی انجام دهند، در مورد مسائل مهم و حیاتی موضع اصولی اتخاذ کنند و ابتکاراتی برای اقدامات مدنی خلق و ابداع کنند (گودهارت، ۲۰۱۶: ۲۲۳). مشارکت در فرآیند حقوق بشر و تحکیم مبانی حقوق بشر اسلامی به معنای درک و تعهد آگاهانه نسبت به ارزش‌های بنیادین حقوق بشر و مردم‌سالاری هم هست. شهروند فعال بودن همچنین به معنای مشارکت در فرآیند دموکراتیک، دارای انگیزه برگرفته از حس مسئولیت شخصی برای پیشبرد و حفاظت حقوق همگان است. در چنین شرایطی، مؤلفه مهمی به نام سرمایه اجتماعی در جامعه شکل می‌گیرد که شاکله جامعه مدنی را نیز تشکیل می‌دهد. زیرا برای رسیدن به توسعه، جامعه مدنی و زیستن در جهان کنونی، بدون سرمایه اجتماعی نمی‌توان اقدام نمود (حیدر خانی، ۱۳۹۷: ۵۳). اما برای مشارکت، شهروندان باید ابتدا از حقوق بنیادی خود آگاه و مطلع باشند و همچنین یادگیری برای کنش‌گرایی آگاهانه نیز ضروری است. تنها افراد و گروه‌هایی برای حفظ و دفاع از حقوق بشر تلاش خواهند کرد که آن‌ها را بفهمند و درک کنند. این وظیفه‌ای است که احزاب به دلیل تخصص لازم می‌توانند آن را به خوبی انجام دهند.

ضرورت آموزش حقوق بشر در حوزه تعلیم و تربیت سیاسی بر عهده احزابی است که می‌توانند ضمن پذیرش شرایط و قواعد اسلامی، مدافع حقوق بشر تلقی شوند. بنابراین اگر نظام سیاسی اسلامی برای تعلیم و تربیت برنامه خاص و متمایزی در نظر دارد می‌تواند از احزاب به‌عنوان ابزاری مهم بهره‌بردارد. ضمن اینکه، دلیل وجودی هر سیستم آموزشی تحقق بخشیدن به هدف‌های آن نظام است (شعبانی، ۱۳۹۳: ۳۶) که درباره جامعه اسلامی و اهداف آن نیز صادق است.

تربیت سیاسی نخبگان در گفتمان جمهوری اسلامی ایران و بنیان‌گذار آن، از اهداف

اساسی برپایی نظام اسلامی است. همچنان که ایشان می‌فرمایند: «آن چیزی که مهم است، این است که مسلمین به اسلام و به قرآن عمل کنند... اسلام، مسائل را همه مسائلی که مربوط به زندگی بشر در اینجا و در آنجاست، و مربوط به رشد انسان، تربیت انسان، ارزش انسان هست همه این‌ها در اسلام هست» (موسوی خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۵: ۴۸۱). با الهام از همین روبه و به‌طور مشخص می‌توان اصول متعددی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مشاهده نمود که بر آموزش و تربیت افراد برای دستیابی به حقوق آنان تأکید می‌نمایند. مجموعه فصل ۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، که شامل اصول ۱۹ تا ۴۱ می‌باشد، همچنین اصول ۳ و ۹ صریحاً حقوق انسانی اتباع ایرانی را همان‌گونه که در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مطرح گردیده، به رسمیت شناخته است. ۱۴ اصل برابری که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بر آن تأکید شده از اصول مسلم حقوق اسلام است و در برخی از آیات قرآن از جمله آیه ۱۳ سوره حجرات، بدان تأکید شده است که می‌توانند بنیانی برای آموزش و تعلیم حقوق بشر اسلامی به افراد جامعه در نظر گرفته شوند. در همین راستا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول متعددی به حقوق عامه مردم اشاره نموده است و انتخاب همه مسئولان اعم از رهبری، رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس (معینی آرانی، ۱۴۰۰: ۲۰۰)، شوراهای اسلامی شهر و روستا و سایر مسئولان کشور را از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم مورد تأکید قرار داده است که خود به معنای انتخاب نخبگان سیاسی از مسیری مردم‌سالارانه و بر مبنای نظر مردم است. در این صورت کارکرد احزاب سیاسی، معرفی افراد متخصص و شایسته‌ای است که دغدغه پیاده کردن الگوی مطلوب اسلامی برای اداره جامعه را دارند. در اینجا می‌توان الگوی مطلوب تحقق حقوق بشر اسلامی را از طریق کارکرد احزاب سیاسی نشان داد:



نمودار (۲) الگوی مطلوب کارکرد احزاب برای ترویج حقوق بشر اسلامی

نتیجه‌گیری

احزاب سیاسی از جمله ابزارهای مؤثر سیاست ورزی در جهان معاصر هستند که البته مقصود از احزاب، نهادهای مسالمت‌جو و قانونی هستند که روش‌های مردم‌سالارانه را برای رسیدن به اهداف خود انتخاب می‌کنند. در این صورت، احزاب سیاسی با حمایت از قانون‌گرایی، دفاع از حق حیات و زندگی مبتنی بر انتخاب و کرامت انسانی، تربیت نخبگان سیاسی شایسته و متخصص و همچنین تحقق اصل حق تعیین سرنوشت و مشارکت سیاسی، کارکرد اثربخشی در عرصه زندگی سیاسی بر عهده‌دارند. با توجه به آنچه در الگوی حقوق بشر اسلامی مطرح می‌شود دستیابی به اصول حق حیات، اصل آزادی و مختار بودن انسانی، زندگی باعزت و کرامت از طریق کاربست احزاب سیاسی قابل حصول است. همچنان که الگوی حقوق بشر اسلامی بر نقش اصول اساسی حق حیات انسانی نیز تأکید می‌ورزد. اصل قانون‌گرایی و کمک به تحقق آن در جامعه، کارکرد دیگر احزاب سیاسی است که این مسئله نیز در الگوی حقوق بشر اسلامی جهت جلوگیری از هرج‌ومرج، رعایت نظم و امنیت در جامعه و پرهیز از افراط‌گرایی و برهم زدن امنیت فردی و گروهی نمایان می‌شود. تربیت نخبگان سیاسی باتجربه و کارآموخته و کسانی که مسیر دستیابی به قدرت سیاسی را به‌خوبی آموخته باشند، کارکرد آشکار دیگری است که از طریق احزاب سیاسی نیز قابل دستیابی است. با توجه به تأکید روشن آیات و روایات و همچنین ائمه (ع) بر ضرورت وجود رهبرانی شایسته برای اداره جامعه در الگوی حقوق بشر اسلامی، احزاب سیاسی می‌توانند نقش مهمی در این زمینه ایفا نمایند. همچنین اصل حق تعیین سرنوشت به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بشر جهانی، از طریق نقش‌آفرینی احزاب سیاسی در تشویق و ترغیب مردم به حضور در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی قابل‌دستیابی است. در این صورت نیز الگوی حقوق بشر اسلامی با دفاع از انسان مسئول و ذی‌حق، وی را به دخالت و اثرگذاری در امور سیاسی و اجتماعی ترغیب می‌نماید که با توجه به پیچیدگی‌های سیاست ورزی در جهان معاصر، از طریق نهادهای اثربخش نظیر احزاب سیاسی قابل حصول است.

پی‌نوشت

۱. انعام/۱۵۱.
۲. اسراء/۳۳.
۳. زمر/۱۷ و ۱۸.

کتابنامه

الف: فارسی

قرآن کریم.

۱. نهج البلاغه، امام علی (ع)، گردآوری سید رضی، تهران: انتشارات بنیاد نهج البلاغه.
۲. ابن قدامه، موفق‌الدین (۱۴۰۵ ق)، المغنی، بیروت، ج ۹، داراحیاء التراث العربی.
۳. ابویعلی، محمد بن حسین (۱۴۲۱ ق)، الاحکام السلطانیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. آلوسی، شهاب‌الدین (۱۴۱۵ ق)، روح المعانی، ج ۴، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵. بخارایی زاده، سید مهدی (۱۳۹۷)، «جایگاه احزاب در کشورهای توسعه یافته». قانون یار، ۲(۵)، ۲۷۷-۲۹۴.
۶. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۱۴ ق)، سنن الکبری، مکه، مکتبه دار الباز.
۷. پور حسین، مهدی (۱۳۹۱). بغی و تمرد در حکومت اسلامی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۸. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غررالحکم و دررالکلم، سید مهدی رجایی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
۹. چلبی، فائقه؛ ایزدی، رجب؛ هریسی نژاد، کمال‌الدین، (۱۳۹۷). «کارکرد احزاب سیاسی در تنظیم روابط قوای حاکم؛ مطالعه تطبیقی نظام‌های انگلستان، آمریکا و ایران»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۷(۲۷).
۱۰. حیدر خانی، هاییل (۱۳۹۷). «بررسی نقش سرمایه اجتماعی در پایداری به فرهنگ شهروندی در بین شهروندان شهر کرمانشاه»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۱۱، شماره ۲ - شماره پیاپی ۴۲.
۱۱. دوورژه موریس (۱۳۸۱). اصول علم سیاست، ترجمه ابوالفضل قاضی، تهران: میزان.
۱۲. رضایی، اسدالله (۱۳۸۶). کالبدشکافی احزاب سیاسی، تهران: آمه.
۱۳. روحی عباس (۱۳۸۱). «نقش حاکمیت قانون در حمایت از حقوق بشر و تقویت آن»، پایان‌نامه مقطع دکترا، رشته حقوق گرایش بین‌الملل، دانشگاه آزاد واحد اصفهان - خوراسگان.
۱۴. ریچ ف. (۱۳۹۴). نهادها و سازوکارهای منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر، ترجمه سید قاسم زمانی و دیگران، تهران: دانش.
۱۵. زمانی، قاسم. (۱۳۹۵). بیست‌ویک گفتار در حقوق بین‌الملل بشر، تهران: خرسندی.
۱۶. شاه علی، احمدرضا، اسدی، مهدی، سلیم بیگی، حمزه (۱۳۹۹). «تحلیل مضمونی توسعه سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره سوم.
۱۷. شعبانی، حسن (۱۳۹۳). مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران: سمت.

۱۸. طباطبایی مومتمنی، منوچهر. (۱۳۹۲). حقوق اداری تطبیقی حاکمیت قانون و دادرسی تطبیقی در چند کشور بزرگ، تهران: سمت.
۱۹. -----، ----- (۱۳۷۵). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران.
۲۰. طباطبائی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۲۰ ق). العروه الوثقی، ج ۴، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۲). تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۹). الکافی، جلد ۲ و ۳ و ۸، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
۲۳. گرجی ازندریانی علی‌اکبر (۱۳۹۱). آزادی‌های گروهی، تهران: مجد.
۲۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۳). قواعد فقه، تهران: علوم انسانی.
۲۵. معینی آرانسی، مصطفی؛ محبی‌نیا، جهانبخش؛ بخشایشی اردستانی، احمد؛ جلالی، کاظم (۱۴۰۰). «بررسی نقش آموزش‌های احزاب سیاسی در کارآمدسازی مجلس شورای اسلامی با تأکید بر آموزش سیاسی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، شماره ۱۵.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۹). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامی.
۲۷. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۰). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۸. نجفی، محمدجواد، معصومی‌راد، رضا، شهبازی، مظفرالدین (۱۳۹۹). «بررسی ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمانشاه»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره دوم.
۲۹. نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱). احزاب سیاسی و نظام‌های حزبی، تهران: گستره.
۳۰. هاشمی سید محمد (۱۳۹۰). حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی، تهران: میزان.

ب: لاتین

31. Cordenillo, Raul, &, Der Staak San (2013), **Political Parties and Citizen Movements in Asia and Europe**, Published by: Xpress Print Pte Ltd, Singapore, 2013, pdf., p. 31, available at: <https://www.idea.int/sites/default/files/publications/political-parties-and-citizen-movements-in-asia-and-europe.pdf>.
32. Goodhart, M. (Ed.). (2016). **Human rights: politics and practice**. Oxford university press.
33. Rokkan. Stein (1970), **Citizens, Elections. Parties**, Oslo. New York, University etsforlaget: Vol: 14, Issue:1.